

طراحی آموزشی

:: زیر بنایی آموزش ::

مقدمه

نظام آموزشی را می توان مرتب کردن منابع و شیوه هایی که برای افزایش یادگیری بکار می روند تعریف کرد . هدف آشکار نظام آموزشی رشد قابلیت های انسانی است . طراحی آموزشی فرایند منظم برنامه ریزی نظام های آموزشی است و هدف از آن فعال کردن یادگیری فرد و پشتیبانی از آن است تا افراد را به اهداف استفاده بهینه از استعدادهایشان ، نزدیکتر سازد.

طراحی آموزشی را می توان تهیه ی نقشه های مشخص برای دست یابی به هدف های آموزشی تعریف کرد . به عبارت دیگر ، هر گاه برای دستی یابی به یک سلسله از دانش ها ، گرایش ها و مهارت ها به عنوان هدف های آموزشی ، مجموعه ای از فعالیت ها و روش های آموزشی قبل از انجام آموزش پیش بینی و تنظیم گردد، در واقع طراحی آموزشی انجام شده است .

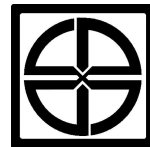
پس طراحی آموزشی تجویز با پیش بینی روش های مطلوب آموزشی برای نیل به تغییرات مورد نظر در دانش ها ، گرایش ها ، و مهارت های فراگیر است (رایکلوت ، 198)

دورویکرد اصلی در زمینه ی طراحی آموزشی وجود دارد : دیدگاه سیستمی ، دیدگاه سازنده گرایی

دیدگاه سیستمی طراحی آموزشی : آموزش را به عنوان یک فرایند مشتمل بر درون داد ، فرایند و برون داد تلقی می کند . در این رویکرد که مبتنی بر آموزه های روانشناسی رفتاری و روانشناسی شناختی می شود و به دنبال آن ، روش هایی برای فعالیت های یاددهی - یادگیری پیش بینی می شود تا فراگیران با انجام آن به اهداف (نتایج) مورد نظر برسند .

دیدگاه سازنده گرایی : بر اساس مبانی معرفت شناختی و روانشناختی یادگیری است رویکرد سازنده گرایی ، طراحی آموزشی را مشتمل بر فراهم آوردن منابع و فرایند های یادگیری به منظور تسهیل یادگیری فراگیر که همان خلق معنا در ذهن است ، می داند . در این دیدگاه به جای تاکید بر رعایت مراحل مشخص برای راجی ، بر توجه به اصولی مانند گنجاندن یادگیری در زمینه های مربوط و واقعی ، گنجاندن یادگیری در تجارب اجتماعی و تشویق به استفاده از انواع روش های ارائه تاکید می شود (فدرانش ، 1999) .

نخستین فرض در مورد طراحی آموزشی این است که هدف طراحی آموزشی باید کمک به یادگیری فرد باشد . بنابر این طراح آموزش (معلم) بایستی شرایط یادگیری مورد نیاز برای رویدادن اثرات مطلوب را به حساب آورد تا با استفاده از طراحی منظم آموزشی به اجرای شیوه های بهتری از تدریس دست یابد . زیرا هم بایستی کلیه مراحل را به



دقت مورد بررسی قرار داده و نیز چون طرح آموزشی بر اساس توانائی های یادگیرندگان است ، بهتر می توان به هدف رسید و در نتیجه وقت کمتر مصرف می شود .

مراحل طراحی آموزشی:

قدم اول در طراحی منظم آموزشی این است که هدف های کلی تعیین شوند. در این مرحله ، هدف از آموزش هر موضوع درسی به صورتی بسیار کلی توشه می شود . میزان کل گرایی در هدف ها معمولا آنقدر زیاد است که مدرسین مختلف ممکن است از یک هدف برداشت های مختلفی داشته باشند بنابر این برای از بین بردن این مشکل بهتر است هر هدف را با یک فعل بیان کرده و کلمات و عبارات اضافی و غیر ضروری آن را حذف کنند . سعی نمایند هدف بر حسب محصول یا بازده یادگیری فراگیر بوده و هر هدف فقط یک محصول یادگیری را نشان دهد .

مرحله دوم در طراحی منظم آموزشی تبدیل هدف های کلی به هدف های رفتاری است . هدف های رفتاری عباراتی هستند که منظور ما را از آموزش در قالب رفتار که انتظار داریم فراگیر از خو نشان دهد بیان می کنند . اگر بتوانیم از قبل تعیین کنیم که فراگیر بعد از گذر از مرحله آموزش قادر به انجام چه عملی خواهد بود احتمالاً "آموزشی را تدارک خواهیم دید که او را قادر به انجام آن عمل کند .

بیان هدف ها به صورت رفتار و گذاردن آنها در اختیار دانشجو یا فراگیر سبب می شود که دانشجو بداند از او چه انتظار می رود و مدرس نیز با استفاده از آن هدف ها قادر است ارزشیابی منسجم تری به عمل آورد .

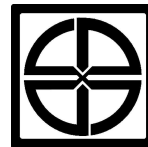
نوشتن هدفهای رفتاری

بریگز وویگر (1981) پنج جزء برای تدوین اهداف رفتاری ذکر نموده اند که عبارتند از:

- 1- موقعیتی که امتحان در آن صورت نمی گیرد یا رفتار تازه در آن بروز می کند و همچنین نوع امتحان
- 2- توانایی کسب شده که از مشاهده اعمال فراگیر استنتاج می شود .
- 3- موضوع، یعنی محتوای کسب شده .
- 4- عبارت مربوط به عمل قابل مشاهده یا رفتاری که در موقعیت امتحانی از فرد بروز می کند .
- 5- ابزار، محدودیتها و شرایط وپیه ای که موقعیت را محدود یا مشروط می سازند .

مرحله سوم در طراحی آموزش تحلیل تکلیف یا تعیین سلسله مراتب یادگیری است . از آنجا که در طراحی منظم آموزشی هدف ایجاد تغییر در رفتار یادگیرنده است ، طراح آموزشی /معلم باید باتوجه به شرایط که در آن یادگیری به وقوع می پیوندد طراحی را انجام دهد. شرایط یادگیری می تواند درونی باشد یا بیرونی .

شرایط بیرونی یعنی شرایطی که مربوط به خارج از شخص یادگیرنده است مثل اصولی از روانشناسی که برای تغییر رفتار فرد یادگیرنده در موقعیت یادگیری مورد استفاده قرار می گیرند یا منابعی که در آموزش از آنها استفاده می شود.



در رابطه با شرایط درونی یادگیرنده ، ابتدا به تحلیل تکلیف یا تعیین سلسله مراتب یادگیری پرداخته شده و سپس رفتار ورودی ، تعیین می گردد. سایر فعالیتهایی که در رابطه با طراحی انجام می شود مربوط به فراهم کردن شرایط بیرونی است .

تعیین رفتار ورودی و سنجش آن

توانایی هایی که درست قبل از عملکرد نهایی یا بازده نهایی قرار می گیرند رفتار ورودی هستند. فراگیر برای رسیدن به هدف باید حتما دارای این توانایی باشد . برای اطمینان از اینکه قراگیر دارای رفتار ورودی مورد نیاز هست باید آزمونی ، تدارک دیده شود که این رفتار را اندازه بگیرد . اگر فراگیر در این آزمون نمره خوب گرفت یعنی رفتار ورودی مورد نیاز را دارد و می تواند و می تواند به هدف برسد. پیش بینی آزمون رفتار ورودی و تهیه آن معمولا به عهده طراح درس یا مدرس است.

اگر نتیجه آزمون ورودی نشان داد که فراگیران رفتار ورودی مورد نیاز را ندارند باید برای آنها آموزش های ترمیمی تدارک دیده شود . در صورت داشتن رفتار ورودی مورد نیاز به مرحله بعد که انتخاب محتوای اقدام می شود .

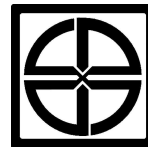
مرحله چهارم طراحی آموزشی انتخاب محتوای آموزشی است ، اگر هدفهای رفتاری درست و مطابق با مطالبی که در بخش ((نوشتن هدفهای رفتاری)) در این مجموعه آمده است نوشته شده باشد شما با تعیین هدفهای رفتاری ، محتوا را نیز تعیین کرده اید. در سیستم آموزش رسمی ما ، انتخاب محتوا نیز ، مانند تعیین هدفهای کلی ، از قبل صورت می گیرد و محتوا در قالب منابع درسی ارائه می گردد. اما گاهی شما طراحی منظم آموزشی را برای آموزش رسمی انجام نمی دهید ، در این گونه مواقع باید باتوجه به هدف، خودتان محتوایی را که می خواهید آموزش دهید از بین مواد موجود انتخاب کنید. گاهی نیز به علت عدم وجود محتوای مناسب ، مجبور می شوید خود به تهیه محتوا اقدام کنید .

تعیین روشها و فنون آموزش

کلیه تحقیقاتی که در رابطه با ایجاد یک مدل نظری برای آموزش انجام شده اند این نتیجه را تایید می کنند که آموزش فرایند بسیار پیچیده ای است و یاد دادن مطلبی به یک فرد، متغیرهای فراوانی را در بر می گیرد . این متغیرها می تواند ، فراگیر ، فرایند یادگیری ، ماهیت موضوع مورد تدریس ، شخص مدرس ، موقعیت آموزشی و هدفهای آموزشی باشد . مدرس برای رسیدن به هدفهای آموزشی راه ها و وسایلی را به کار می گیرد که به آنها فنون آموزشی گویند .سیمفن (1971).

روشهای آموزشی را به دو دسته تقسیم بندی می کند: روش اکتشافی ، روش نمایشی

در روش نمایشی مدرس ارائه دهنده است ولی در روش اکتشافی یادگیرنده خود به کشف مطالب می پردازد. در هر دو روش مدرس می تواند از اصول استقرایی یا از اصول قیاسی استفاده کند .



استقراء

استقراء به معنی فرآیند دلیل آوردن از جزء به کل است. در روشی که بر اساس اصول استقرائی باشد مثال های مختلفی از موضوع به فراگیر ارائه می شود تا او را قادر سازد خود قانون، اصل، یا قاعده کلی را تعریف کند.

گام هایی که در روش آموزشی بر اساس اصول استقرائی برداشته می شود بدین صورت است:

- 1- مدرس اطلاعاتی را که می خواهد آموزش دهد انتخاب می کند (قاعده کلی، قانون، مفهوم فرایند)
- 2- مثال های مختلف از آن اطلاعات به فراگیر ارائه می شود تا او را قادر به تشکیل فرضیه کند.
- 3- شواهدی ارائه می شود تا صحت و سقم فرضیه را تایید کند.
- 4- مورد نتیجه گیری شده به وسیله مدرس یا فراگیر گفته می شود.

قیاسی

روشی که بر اساس اصول قیاسی ارائه شود روشی است که از کل به جزء می رود. یعنی قاعده کلی ارائه می شود و موارد مختلف با قاعده کلی مقایسه شده و سپس نتیجه گرفته می شود که آیا این قاعده مورد را در بر می گیرد یا خیر. گام هایی که در روش قیاسی برداشته می شود عبارتند از:

1. مدرس اطلاعاتی را که می خواهد آموزش دهد انتخاب می کند
2. قاعده کلی به فراگیر ارائه می شود.
3. مثال های مشخصی از قاعده کلی ارائه می شود تا فراگیر را قادر سازد رابطه بین موارد جزئی و قاعده کلی را دریابد
4. شواهد برای تایید یا تکذیب قاعده کلی ارائه می شود.

چیزی را که باید در استفاده از فنون و روش های آموزشی در نظر داشت این است که هیچ کدام از آن ها به خودی خود خوب یا بد نیستند. مناسبت یا عدم مناسبت آنها را باید با متغیرهایی که در آموزش یادگیری دخالت دارند در نظر گرفت و سپس آن ها را به کاربرد.